



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: 2717-4271

شاپا چاپی: 2008-5850



دانشگاه شهید چمران اهواز

نقش ادوار تجاری در چگونگی اثرگذاری مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت بر رفاه اجتماعی (رهیافت NARDL)

زرگین احمدوند*¹، محمد علیزاده**، محمدحسن فطرس***، محبوبه دلفان****
دانشجو دکتری اقتصاد بخش عمومی، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
** دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول).
*** استاد تمام اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
**** استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

طبقه‌بندی JEL: J16, J21, E24, O55

اطلاعات مقاله

واژگان کلیدی:

امور اجتماعی و فرهنگی، ادوار تجاری، شاخص رفاه اجتماعی آمارتیاسن، NARDL.

آدرس پستی:

لرستان، خرم آباد، دانشگاه لرستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، کد پستی: ۴۴۳۱۶-۶۸۱۵۱

ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:

ایمیل: alizadeh_176@yahoo.com

0000-0003-0026-9619

اطلاعات تکمیلی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری زرگین احمدوند در رشته اقتصاد به راهنمایی دکتر محمد علیزاده است. فردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدر دانی می‌شود. تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند در انتشار مقاله از آن‌ها شده تضاد منافی وجود ندارد. منابع مالی: نویسندگان هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

یکی از مهم‌ترین کارکردهای دولت تخصیص صحیح مخارج برای ارائه بهتر خدمات فرهنگی و اجتماعی و ایجاد زیر ساخت‌های مناسب در این حوزه‌ها برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه بر روی شاخص رفاه اجتماعی آمارتیاسن در طی ادوار تجاری در اقتصاد ایران است. این مطالعه از مدل خود توضیح غیر خطی با وقفه‌های گسترده (NARDL) جهت برآورد داده‌های سری زمانی در طی دوره زمانی سال‌های 1352-1398 بهره گرفته شده است. نتایج نشان دهنده آن است که شوک‌های مثبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی، فصول آموزش، تربیت بنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت در طی دوره‌های رکود و رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. همچنین، در شوک‌های منفی رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. شوک‌های منفی مخارج دولت نیز در فصول فرهنگ و هنر و آموزش در طی دوره‌های رکود و فصل رفاه اجتماعی در طی دوره‌های رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. با در نظر گرفتن شوک‌های مثبت مخارج دولت، امور اجتماعی و فرهنگی، فصول آموزش، تربیت بنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت در دوره‌های رونق دارای اثرگذاری بیشتر بر روی رفاه اجتماعی هستند. این در حالی است که نتایج شوک‌های منفی مخارج دولت دلالت بر آن دارند که امور اجتماعی و فرهنگی و فصل آموزش دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رکود و فصول تربیت بنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رونق بر رفاه اجتماعی هستند.

ارجاع به مقاله:

احمدوند، نرگس، علیزاده، محمد، فطرس، محمد حسن و دلفان، محبوبه. (1402). نقش ادوار تجاری در چگونگی اثرگذاری مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت بر رفاه اجتماعی (رهیافت NARDL). فصلنامه علمی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره (شماره)، ص-ص.

 [10.22055/jqe.2019.26401.1899](https://doi.org/10.22055/jqe.2019.26401.1899)



© 2023 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

1- مقدمه

با توجه به ایجاد عدم مطلوبیت برای برخی افراد در حالت بهینه پارتو، نیاز به حضور دولت‌ها با عنوان دولت رفاه در حال گسترش است. مسئولیت اصلی دولت‌های رفاه حفاظت از رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان است (Minhaj & Nishat, 2018). در این زمینه آمیبا و سجاروتو (2018) اظهار دارند سیاست‌های دولت در تخصیص صحیح منابع خود عاملی تعیین کننده در رشد، توسعه انسانی، کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی است (Ambia & Sujarwoto, 2018).

سیر تحول سیاست‌های دولت نشان از اهمیت اولویت‌بندی، نحوه و میزان تاثیرگذاری مخارج دولت بر روی رفاه اجتماعی دارد. تحولات مهم در سیاست‌های مربوط به تخصیص مخارج دولت در تمامی ابعاد اجتماعی آن را می‌توان به دهه 1950 میلادی نسبت داد. سیاست‌هایی که ابعاد آن شامل اقدامات و اصولی است که با ارائه خدمات درمانی و بهداشتی، آموزش، آب و فاضلاب و حمایت‌های اجتماعی رفاه انسان را تقویت می‌کنند. در دهه‌های اولیه توسعه، بخش عمده تخصیص بودجه در زیرساخت‌ها و بخش‌های سخت تولید (کشاورزی در مقیاس بزرگ و غیره) بودند. بر اساس گزارشات بانک جهانی (1980) در دهه 1960 سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش فقط 8 درصد از کل جریان‌های مالی دولت‌ها را تشکیل داد و تنها در دهه 1970 به حدود 11 درصد رسید. به بخش‌های اجتماعی به عنوان بخش نرم‌تر برای توسعه اولویت کمتری داده می‌شد. در دهه 1980 و در دوره تعدیل ساختاری بودجه قابل توجهی به بخش‌های اجتماعی تعلق گرفت (Addison, Niño-Zarazúa, & Tarp, 2015). در همین دوره، از اواسط دهه 1960 تا دهه 1990 پیشرفت تدریجی در مورد تأثیر سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی، چه در سطح کلان اقتصادی و چه در سطح خرد صورت گرفت. سرانجام از اواسط دهه 1990 به بعد تشویقی فزاینده برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی انجام شد. به طوری که، از طرف اقتصاد کلان، تئوری‌های اقتصادی شروع به برجسته نمودن اهمیت سرمایه‌گذاری انسانی برای رشد اقتصادی و رفاه کل کردند (Haile & Nino-Zarazua, 2018). علاوه بر این، با آغاز جهانی شدن در دهه 1980 آشکار شد که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی از طریق سیاست‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش ثروت اقتصادهای فقیر در جهان کمک کند. تا دهه 1990 به وسیله اقتصاددانانی همچون بارو¹ (1991)، ربلو² (1991)، بن حبیب و

¹ Barro, R.

² Rebelo, S.

اسپیگل³(1994)، بارو و سالای-آی-مارتین⁴(1998) این دیدگاه گسترده وجود داشت که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و بهداشت با ایجاد دانش تأثیرات عمیقی بر پیشرفت طولانی مدت اجتماعی و اقتصادی ملل دارد (Addison et al., 2015). بنابراین، اهمیت سیاست‌گذاری‌های دولت در بخش اجتماعی که عمدتاً با تقویت توسعه انسانی متمرکز بوده با پیشرفت توسعه بشر تأثیرات مؤثری بر الگوهای بلندمدت رشد اقتصادی و نیز کاهش فقر گذاشت. در سال (2000) اهداف توسعه هزاره⁵ (MDGS) که اهداف مشخصی برای مقابله با فقر شدید و ترویج توسعه انسانی در برداشت تاسیس شد. از این اهداف می‌توان به آموزش با کیفیت، مراقبت‌های بهداشتی، آب و فاضلاب برای میلیون‌ها نفر با هدف کاهش نرخ مرگ و میر مادران و کودکان و افزایش نرخ ثبت نام مدارس نام برد (Sourya, Sainasinh, & Onphanhdla, 2018). همچنین، سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌ها جهت تسهیل دسترسی به بازارها و کاهش هزینه بالای معاملات و افزایش مشارکت بانوان فقیر از جمله این اهداف بود (WorldBank, 1990).

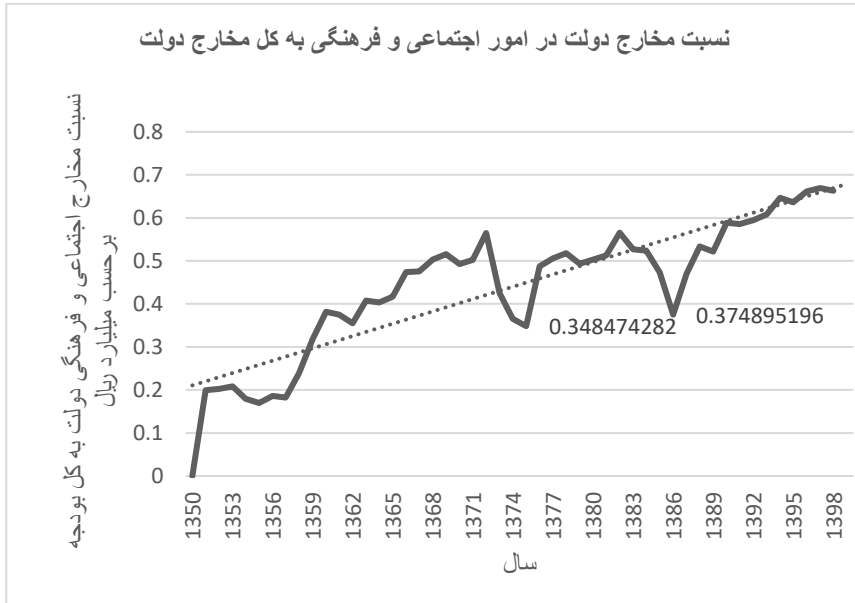
در ایران نیز اولین بار در برنامه عمرانی پنجم (1352-1356) دو اصل رونق کشاورزی و توسعه امور رفاه اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت و در روند برنامه‌ریزی کشور، اهداف اجتماعی در اولویت قرار گرفتند. در برنامه عمرانی ششم (1357-1361) وقوع انقلاب، امکان تصویب و اجرا برنامه‌های مربوط به توسعه کشور را نداد. بعد از انقلاب، در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1368-1372) بیشترین اعتبار در امور اجتماعی به آموزش و پرورش عمومی، بهداشت و درمان، و تغذیه اختصاص یافت. در برنامه سوم توسعه (1374-1378) آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی، بیشترین سهم از اعتبارات مربوط به امور اجتماعی را دریافت کردند. همچنین، در برنامه سوم (1379-1383) به مواردی مانند نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها و سیاست‌های بهداشت و درمان، تأمین مسکن، حفاظت محیط زیست و آموزش عالی در قالب فصول جداگانه اشاره شد. در برنامه چهارم (1384-1388) نیز قلمروهای کیفیت زندگی از سه جنبه نیازهای اساسی (تغذیه، مسکن، آموزش و بهداشت)، نیازهای محیطی (محیط زیست و شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) و نیازهای حمایتی (تأمین اجتماعی و اوقات فراغت) مورد توجه قرار گرفتند (Ghaffari & Omidi, 2011).

بر اساس نمودار 1) در طی دوره زمانی 1352-1398 نسبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی به کل بودجه دولت به طور کلی روندی افزایشی داشته است. اما در طی دوره زمانی مذکور در سال‌های 1375 و 1386 دچار کاهش شدید شده است. به طوری که مقدار آن در این سال‌ها به 0.374895196 و 0.348474282 میلیارد ریال رسیده است.

³ Benhabib, J., & Spiegel, M.M.

⁴ Barro, R., & X. Sala-i-Martin

⁵ The Sustainable Development Goals

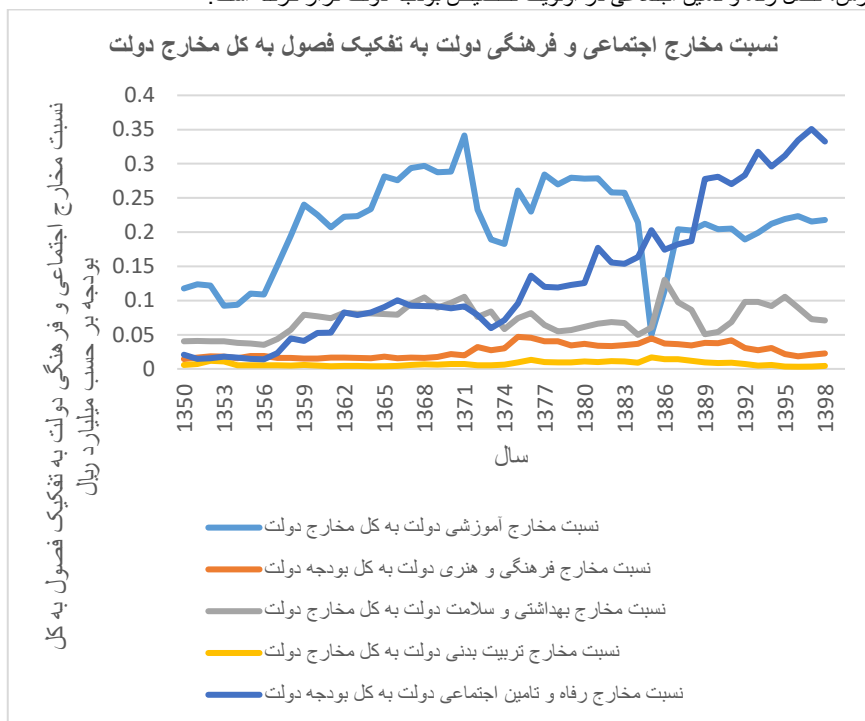


نمودار 1. نسبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی به کل مخارج دولت در طی دوره زمانی 1352-1398
منبع: وزارت اقتصاد و دارایی

Figure 1. The ratio of government expenditures in social and cultural affairs to total government spending in the period 1973-2019

Source: Ministry of economic affairs and finance

بر اساس نمودار 2) در امور اجتماعی و فرهنگی در ابتدا بیشترین بودجه دولت به ترتیب به فصول آموزش، بهداشت و سلامت و رفاه و تامین اجتماعی اختصاص یافته است. اما در سال 1386 با افت بسیار شدید مخارج دولت در فصل آموزش، فصل رفاه و تامین اجتماعی در اولویت تخصیص بودجه دولت قرار گرفته است.



نمودار 2. نسبت مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت به تفکیک فصول به کل مخارج دولت در طی دوره زمانی 1352-1398
مأخذ: وزارت اقتصاد و دارایی

Figure 2. The ratio of government social and cultural expenditures to government expenditures total in the chapters during the period 1973-2019
Source: Ministry of economic affairs and finance

در کنار روند تخصیص بودجه دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی، دولت‌های محتاط همواره درصدد بوده نسبت مخارج به تولید ناخالص داخلی را ثابت نگه دارند. به طوری که مخارج خود را در طی دوران رونق به کندی افزایش داده و از کاهش سریع مخارج در دوران رکود امتناع کنند (Ghasemi & Mohajeri, 2015). به عبارت دیگر، دولت‌ها در پی اعمال سیاست‌های ضداداری برای کاهش نوسانات اقتصادی و ایجاد ثبات در جامعه جهت تحقق اهدافی همچون افزایش رفاه اجتماعی بوده‌اند. بنابراین، شناخت ساختار ادوار تجاری نخستین گام برای کنترل و کاهش شدت نوسانات است. در این زمینه لوکاس (1997) بیان می‌کند شناخت و درک ادوار تجاری اولین گام در طراحی مناسب سیاست‌های تثبیت است (Lucas, 1988). اما بر اساس برخی از مطالعات تجربی از جمله صمدی و اوجی مهر (2012) مخارج دولت در ایران به شکل موافق ادواری بوده و این امر موجب تشدید نوسانات اقتصادی و کاهش رفاه به خصوص در سال‌های اخیر شده است. بر اساس مطالعات احمدوند و همکاران (1399) از سال 1386 به بعد روند شاخص رفاه اجتماعی آمارتیباسن در کشور نزولی شده به طوری که در سال 1398 به کمترین میزان خود در 30 سال اخیر رسیده است (Ahmadvand, Alizadeh, Fotros, & Delfan, 2020). بنابراین،

برای تحقق عدالت اجتماعی، دولت باید اقدامات مؤثر و مفیدی را در زمینه ساماندهی تصمیمات و اولویت‌های سیاست‌های خود با تقریبی از حجم و ترکیب هزینه‌های اجتماعی در طی ادوار تجاری بدست آورد. با توجه به عدم پژوهش لازم در زمینه اثرات غیرخطی مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و فصول مربوطه بر روی رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری ایران، این هدف، موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته است. به کارگیری مدل خود رگرسیون غیر خطی با وقفه‌های توزیعی برای بررسی اثرگذاری مخارج دولت در طی ادوار تجاری برای امور اجتماعی و فصول مربوط به آن از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر است. بر این اساس، پژوهش به پنج بخش تنظیم شده است. در بخش اول پس از بیان مقدمه، مبانی نظری در ارتباط با دخالت دولت و نقش آن در کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش سوم به پیشینه پژوهش پرداخته شده و در بخش چهارم، الگوی اقتصادسنجی و یافته‌ها ارائه شده است. در نهایت بخش پایانی، به بحث و پیشنهادات اختصاص داده شده است.

2- مبانی نظری

تین برگن (1991) رفاه اجتماعی را به‌رمندی از شرایط توصیف می‌کند (Tinbergen, 1991). پنا (1997) رفاه اجتماعی را نتیجه یک سری شرایط عینی، مادی و ادراکات یا تصورات ذهنی مرتبط با اولویت‌های افراد توصیف می‌کند (Pena, 1977). در دهه‌های اولیه توسعه، رفاه اجتماعی به عنوان یک پدیده‌ی یک بعدی تلقی می‌شد. با این حال، در حدود دهه (1960)، جنبش شاخص‌های اجتماعی، رفاه اجتماعی را مقوله‌ای چند بعدی بیان کرد (Zarzosa-Espina & Somarriba-Arechavala, 2012). نول (2002) در این زمینه بیان می‌کنند رفاه اجتماعی به عنوان مفهومی چند بعدی، نه تنها مسائل اقتصادی همچون درآمد سرانه، بلکه سایر مسائلی نظیر بهداشت، مسکن، تحصیل، اشتغال، محیط زیست و غیره را به عنوان عوامل ضروری برای ارزیابی رفاه فردی در یک جامعه در بر می‌گیرد (Noll, 2002). گانلی و ترانو⁶ (2016) در زمینه اثرگذاری مخارج دولت بر روی رفاه اشاره بر جانشینی مصرف و فراغت دارند. آن‌ها این گونه بحث می‌کنند که خانوارها در پاسخ به افزایش ثروت ایجاد شده ناشی از مخارج دولت و با توجه به قابلیت جانشینی بین مصرف و میزان کار، میزان مصرف بیشتری را اختیار می‌کنند و از این طریق رفاه خود را افزایش می‌دهند (Ashrafi, Salimifar, Adeli, & Tavaklian, 2018).

از نظر چمینگوی⁷ (2005) اگر مخارج دولت به حوزه‌های آموزش و پرورش و بهداشت هدایت شود، بهره‌وری کل عوامل افزایش و در نهایت کل اقتصاد تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت. به گونه‌ای که سود حاصل از بهره‌وری کل عوامل به بهبود سرمایه انسانی، پیشرفت در درآمد و رفاه منجر می‌شود (Odior, 2014). اومودرو (2019) در زمینه آموزش خاطر نشان می‌کند، آموزش با شناسایی توانایی و پناسیل افراد، آن‌ها را در معرض فرصت‌ها قرار داده که این امر به کاهش فقر در یک کشور منجر می‌شود. همچنین، وی بیان می‌کند، بر اساس گفته‌ی رایج مینی بر اینکه "دانش قدرت است"، نتیجه می‌گیرد که دانش از طریق آموزش به دست می‌آید و یک فرد دانشمند نمی‌تواند فقیر باشد (Omodero, 2019).

جانسون و همکاران (2009) نقش آموزش در افزایش ارزش و کارایی نیروی کار در راستا ایجاد فرصت‌های شغلی را مهم برشمارده‌اند (Janson, Mango, Krishna, Rademy, & Johnson, 2009). دابلا نوریس و همکاران⁸ (2015) بهبود مدارک تحصیلی، رفع موانع مالی برای آموزش کشورهای ثالث و حمایت از برنامه‌های کارآموزی را عواملی برای بهبود کیفیت سیستم آموزش و پرورش، افزایش دستمزدها و کاهش نابرابری درآمد شناسایی کردند (Ionu, 2018). کارتاسامیتا⁹ (1996)،

⁶ Ganelli, G., & Tervala, J.

⁷ Chemingui, M.A.

⁸ Dabla-Norris, E., Kochhar, K., Ricka, F., Suphaphiphat, N., & Tsounta, E.

⁹ Kartasasmita, G.

جینگان¹⁰ (2000)، تودارو و اسمیس¹¹ (2011) بر آموزش و پرورش برای ایجاد مهارت و اعتماد به نفس در افراد جهت جذب فناوری‌های نوین و ایجاد ظرفیت برای رشد و توسعه پایدار برای یک کشور تاکید داشته‌اند (Ambia & Sujarwoto, 2018). در زمینه بهداشت و درمان اوریاوته و اکاوه (2018) به اهمیت افزایش مخارج دولت در بخش سلامت برای کاهش هزینه‌های بهداشتی فقرا و افزایش درآمد سرانه جهت ایجاد توانایی در آن‌ها به عنوان نیروی کار سالم برای به کارگیری فعالیت‌های مولد اشاره دارند (Oriavwote & Ukawe, 2018). در این زمینه اصغر و همکاران (2012) پیشرفت در حوزه سلامت را منجر به افزایش امید به زندگی و ایجاد فرصت‌های کسب درآمد می‌دانند (Asghar, Hussain, Rehman, & Shil-Adlunog, 2006) و همکاران (2006) نیز بر بهداشت و درمان به عنوان عاملی برای کاهش شکاف فقر اشاره داشته و بیان می‌کنند بیشتر خانوارها به دلیل ضعف در سلامت و بهداشت در فقر گنجانده شده‌اند (Scheil-Adlung et al., 2006). اودونل و همکاران (2013) در ارتباط با اهمیت حوزه سلامت بیان می‌کنند، افرادی که از بیماری‌های خاص رنج می‌برند به دلیل پایین‌تر بودن بهر موری‌شان نسبت به سایر افراد از دستمزد کمتری بهره‌مند بوده که این امر باعث افتادن این دسته افراد در تله فقر می‌شود (ODonnell, vanDoorslaer, & vanOurti, 2013).

در کنار تأثیرات مستقیم و مثبتی که مخارج آموزشی و بهداشتی بر روی فقر می‌گذارد، آنچه که حائز اهمیت است هدف قرار دادن فقر برای دریافت این مخارج می‌باشد (Claus, Martinez, Vazquez, & Vulovic, 2012). تحقیقات بانک جهانی (1990) به روشنی نشان داده است که بیشتر یارانه‌های آموزش و پرورش و بهداشت اگرچه منرفی هستند و نابرابری درآمد را کاهش و موجب رفاه بیشتر افراد شده اما به خوبی به فقرا اختصاص نمی‌یابند. از سوی دیگر میزان تأثیر گذاری مخارج آموزش عمومی بر روی فقر با سطح خدمات آموزشی متفاوت است. مخارج دولت برای دوره آموزش ابتدایی و شاید دوره متوسطه به نفع فقرا بوده و رفاه آن‌ها را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، مخارج عمومی در آموزش عالی یا سطح دانشگاه به طور معمول به سود ثروتمندان است و منجر به نابرابری بیشتر و کاهش رفاه اجتماعی فقرا می‌شود. مخارج دولت در حوزه بهداشت نیز بسته به نوع برنامه‌ها متفاوت است. هزینه‌های عمومی برای مراقبت‌های اولیه به نفع فقرا بوده و توزیع درآمد و رفاه اجتماعی را بهبود می‌بخشد. مخارج عمومی در مورد انواع پیشرفته‌تر مراقبت‌های بهداشتی به نفع ثروتمندان بوده و توزیع درآمد را نابرابرتر و رفاه اجتماعی فقرا را کاهش می‌دهد (Claus et al., 2012).

سیاست‌های عمومی در بخش حمایت‌های اجتماعی نیز می‌تواند تأثیرات عمیقی بر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ملت‌ها داشته باشد. در این زمینه هولم و همکاران (2012) عنوان می‌کنند، حمایت‌های اجتماعی دولت به طور مستقیم از طریق افزایش کارایی اقتصادی به افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر و افزایش رفاه افراد منجر می‌شوند (Hulme, Hanlon, & Barrientos, 2012).

در سرتاسر جهان مخارج اجتماعی دولت برای محافظت از شرایط زندگی از طریق ایجاد درآمد پایدار، جلوگیری از فقر، نابرابری درآمد، محرومیت‌های اجتماعی و حاشیه نشینی انجام می‌شود. در این زمینه تأمین اجتماعی از دو کانال بیمه تأمین اجتماعی و سیستم کمک‌های اجتماعی منافی را برای یک طبقه خاص اجتماعی قائل می‌شود. (1) خانواده‌هایی که فرزندان‌شان فارغ از درآمد هستند. (2) افراد بیکار و بازنشسته. (3) گروه‌های خاص (معلول و سالخورده) و افرادی که دارای درآمد کمتر از حداقل معیشت هستند (Lindert, 2002). در این نوع ابزارهای حمایت اجتماعی از آنجا که تأمین مالی جهت پرداخت‌ها از طریق همه گروه‌های درآمدی تأمین می‌شود، بر توزیع درآمد و رفاه تأثیر می‌گذارد. این نوع از سیاست‌های حمایتی، علاوه بر مزایای مثبتی که می‌توانند بر روی رفاه افراد داشته باشند می‌توانند تأثیرات منفی را هم بر جای بگذارند. در سیستم بیمه تأمین اجتماعی، در صورتی که گروه‌های با درآمد بالا، از طریق مکانیسم قیمت و سهام تأمین مالی سیستم را به افراد کم درآمد منعکس کنند نابرابری در درآمدها افزایش و

¹⁰ Jhingan, M.L

¹¹ Todaro, M.P., & Smith, S.C.

این امر منجر به کاهش رفاه افراد فقیر خواهد شد. همچنین، این مزایای اجتماعی می‌تواند با کاهش میل به کار افراد و افزایش بیکاری، فقر و نابرابری را افزایش و رفاه را کاهش دهد (Ilker, 2018).
متاثر بودن اقتصاد و بالطبع رفاه افراد متأثر از رفتار اقتصادی آن‌ها بوده است. صالحی نیا و همکاران (1389) رفتار اقتصادی افراد را متأثر از رفتار فرهنگی می‌دانند. اگر فرهنگ موجود در یک منطقه به افراد آن منطقه احساس راحتی بدهد در آن صورت استعدادها، توانمندی‌ها و سرمایه‌گذاری در تکنولوژی در آن منطقه انباشته خواهند شد. در نتیجه پیوند میان ترجیحات، فرهنگ و نوآوری موجب به حرکت درآمدن موتور رشد اقتصادی می‌شود (Salehnia, Dehnavi, & Haghejad, 2010).
همانطور که رومر (1992) در مدل رشد درونزای خود فناوری را عامل رشد اقتصادی بر می‌شمارد. از این رو، تأثیر سرمایه‌گذاری مخارج دولت در فرهنگ و هنر ارتباط مستقیمی با رفتار مثبت اقتصادی افراد و در نتیجه رشد، توسعه و رفاه اجتماعی دارد. رسانه‌های جمعی نیز به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در فرهنگ نقش مهمی در دسترسی آزاد به اطلاعات، فراگیر کردن دانش، افزایش شفافیت و عملکرد اقتصادی مردم برای تخصیص بهتر و کاراتر منابع شده و این امر موجبات کاهش فقر و افزایش رفاه افراد را فراهم می‌کند (Haghverdi, 2009). هافنر و همکاران (2019) نقش تربیت بدنی در رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی افراد را حائز اهمیت بر شمرده‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند، افزایش فعالیت‌های جسمی موجب کاهش هزینه‌های بهداشتی برای دولت، افزایش امید به زندگی افراد و سلامت آنان به عنوان نیروی کار سالم جهت بهبود سطح کیفی زندگی می‌شود (Hafner et al., 2019).
بنابراین، با نگاه به مطالعات صورت گرفته در زمینه تخصیص مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصل‌های مربوط به آن به دیدگاه‌های متفاوت در زمینه اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و زیر فصل‌های مربوط به آن بر روی رفاه اجتماعی می‌توان پی برد. این امر خود تأییدی برای وجود رابطه غیرخطی بین اجزای مخارج دولت در امور اجتماعی و متغیر رفاه اجتماعی در طول زمان است.

نقش ادوار تجاری در شکل‌گیری این رابطه غیرخطی به خصوص در کشورهای در حال توسعه قابل تامل است. همچنین، خصوصیت وقفه در تأثیرگذاری سیاست‌های مالی، مسئله حضور ادوار تجاری را هنگام بررسی کارایی سیاست‌های مالی حائز اهمیت می‌نماید. به طوریکه ممکن است سیاست اعمال شده برای دوره رکود (سیاست مالی انبساطی) به دلیل وجود وقفه در دوره رونق بر اقتصاد اثرگذار باشد (Gholami & HojbarKiani, 2014). به عبارت دیگر، سیاستی که برای ثبات اقتصادی (رفتار ضد ادواری) برنامه‌ریزی شده بود موجب رفتار موافق ادوار تجاری شود. کپلند و پرسکات¹² (1977) در این زمینه تأکید می‌کنند که مسئله تأخیر زمانی باعث کاهش اثر بخشی سیاست‌های مالی اختیاری برای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی از جمله اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی می‌شود. براین اساس، همواره سیاست‌های مالی به عنوان ابزارهای قدرتمند و در عین حال خطرناک در دست دولت‌ها تعبیر می‌شوند (Zaer & Gholami, 2008). برای مثال در مطالعات زارعی و همکاران (1398) وقفه و شدت اثرگذاری مخارج دولت در طی ادوار تجاری متفاوت بوده و سیاست‌های مالی دولت با ایجاد رفتاری موافق چرخه‌ای به عنوان عامل بی‌ثباتی اقتصادی بر شمرده شده است (Zarei, Ebrahimi, & Hematy, 2019). علاوه بر مسئله تأخیر زمانی اقتصاددانان چندین فاکتور دیگر را در اعمال یک سیاست موافق ادواری مهم ارزیابی می‌کنند. یولوکارادام و همکاران (2016) وجود اثرات برون‌رانی¹³ در مصرف، سرمایه‌گذاری، آموزش و سلامت را عاملی در کاهش کارایی اقتصادی سیاست‌های مالی بر می‌شمارند (YolcuKaradam, Yildirim, & Öcal, 2016). همچنین، اثرگذاری ناچیز و یا موافق ادواری هزینه‌های دولت به ماهیت مخارج دولت برمی‌گردد. به طوری که، تشکیل سرمایه‌های ثابت برای مثال مخارج دولت در ساخت مدرسه، بیمارستان و غیره دارای ماهیت بلندمدت بوده و در طی ادوار تجاری

¹² Kydland, F.E. & Prescott, E.C.

¹³ Crowding Out Effect

اقتصاد که ماهیت کوتاه مدت داشته، باعث اثرات غیرمولد مخارج دولت و شکل‌گیری رفتار موافق ادواری می‌شوند (Joharji & Starr, 2011). تالوی و وگ¹⁴ (2005)، کامینسکی و همکاران¹⁵ (2004) دلیل عمده اثرات غیرمولد مخارج دولت و در نتیجه شکل‌گیری رفتار موافق ادواری را در ارتباط با نوسان‌های بالای پایه‌های مالیاتی، بخش غیررسمی بزرگ در اقتصاد و همچنین، عرضه اعتبار عنوان می‌کنند. زیرا در شرایط سخت رکود، دولت نمی‌تواند از راه استقراض از بخش خصوصی تامین مالی کند و اگر هم بتواند، با نرخ بهره خیلی بالا امکان‌پذیر است. بنابراین، دولت برای مدیریت کسری بودجه مجبور به کاهش مخارج است. در حالی که در شرایط رونق دولت اقدام به استقراض زیاد می‌کند و مخارج را می‌افزاید. اما آلسینا و تابلینی¹⁶ (2005) به دو دلیل این علت را ناقص می‌دانند و پدیده رفتار موافق چرخه‌ای سیاست‌های مالی دولت در این کشورها را بر مبنای اقتصاد سیاسی تفسیر می‌کنند. پرسش نخست آن است که چرا در کشورهای در حال توسعه در شرایط رونق ذخیره انباشت صورت نمی‌گیرد تا در شرایط رکود با محدودیت استقراض مواجه نشوند؟ و پرسش دوم، آنکه چرا بخش خصوصی در این کشورها به رغم اطلاع از اینکه قرض به دولت در شرایط رکود می‌تواند بهینه باشد، از دادن قرض به دولت امتناع می‌کند؟ به نظر آنها علت مهم پدیده رفتار مالی موافق چرخه‌ای دولت مسئله کارگزاری (نمابندگی) سیاسی است. رای دهندگان ممکن است با دولت‌های فاسدی مواجه باشند که بخشی از درآمدهای مالیاتی را صرف مصارف عمومی غیرمولد یا رانت‌های سیاسی در مسیر علایق دولت می‌کنند. این مسئله به دلیل نبود تقارن اطلاعات است، زیرا رای دهندگان وضعیت اقتصادی را مشاهده می‌کنند ولی شرایط دولت را به خاطر غیرشفاف بودن ناترازی‌های بودجه نمی‌بینند. بنابراین، رای دهندگان در شرایط رونق اقتصادی، بیشترین مطلوبیت را برای خود به شکل کاهش مالیات و کالاهای عمومی بهتر تقاضا می‌کنند که به مخارج دولت فشار می‌آورد و به استقراض بیشتر دولت، ایجاد نوسانات اقتصادی و در نتیجه آن توزیع نامناسب منابع و کاهش رفاه منجر می‌شود. نکته مهم آن است که رفتار موافق چرخه دولت نه به علت تقاضای غیر عقلایی رای دهندگان، بلکه بر اساس اطلاعات ناقص آن‌ها نسبت به سیاست‌های اقتصادی است که در شرایط فساد اقتصادی و نبود شفافیت سیاسی، به عنوان راه حل بهینه دوم، به جای تغییر دولت، تقاضاهای خود را افزایش داده شکل می‌گیرد (Saedi Sarkhanlou & Dargahi, 2021). بنابراین، در نظر گرفتن ادوار تجاری در تخصیص منابع مالی دولت امری ضروری جهت کاهش نوسانات اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی تلقی می‌شود.

افزون بر اهمیت مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت بر رفاه اجتماعی، باید به شناخت سایر عوامل تاثیر گذار بر رفاه اجتماعی نیز پرداخت. با افزایش تورم، درآمد نسبی افرادی که قراردادهای کاریشان را بر اساس تغییر قیمت‌ها تعدیل می‌کنند نسبت به گروهی که قراردادهایشان را تعدیل نمی‌کنند افزایش می‌یابد و بر این اساس توزیع درآمد نابرابرتر و در پی آن رفاه اجتماعی کاهش می‌یابد (Bulir, 2001). آزاد سازی تجاری می‌تواند از طریق افزایش توان تولیدکنندگان داخلی در دستیابی به تکنولوژی‌های جدید و نهاده‌های تولید و همچنین کاهش هزینه‌های ارتباطی میان صادرکنندگان و واردکنندگان کالاها بر رشد اقتصادی و کاهش فقر اثر مثبت داشته باشد (McCulloch, Winter, & Cirera, 2003). تاثیر مثبت نرخ شهرنشینی بر رفاه اجتماعی نیز مرتبط با جاذبه‌های بیشتر شهر برای روستائیان از جمله فرصت‌های شغلی بهتر، دستیابی به درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی، فعالیت‌های فرهنگی، بستر مناسب برای رشد خلاقیت-های فردی و اجتماعی، شرایط خوب محیط کار و زندگی همانند مسکن و خدمات رفاهی و فرصت‌های کسب آموزش‌های حرفه‌ای می‌باشد (ShamsAldini & Gorjian, 2010). کی تایت و سبوت¹⁷ (1983) اثر آموزش بر روی نابرابری درآمد و در نتیجه رفاه اجتماعی را بستگی به برآیند دو اثر ترکیبی¹⁸ و فشار دستمزد¹⁹ می‌دانند. اثر ترکیبی اشاره بر این دارد که افزایش سواد در افراد آموزش دیده موجب

¹⁴ Talvi, E., & Vegh, C. A.

¹⁵ Kaminsky, G. L., Reinhart, C. M., & Végh, C. A.

¹⁶ Alesina, A., & Tabellini, G.

¹⁷ Knight, J., & Sabot, R.H.

¹⁸ Composition effect

¹⁹ Wage Compression Effect

افزایش دستمزد در این دسته از افراد شده که این امر موجب افزایش نابرابری و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، بر مبنای اثر فشار دستمزد اگر هم زمان با افزایش نسبی در عرضه نیروی کار آموزش دیده در مقایسه با نیروی کار تحصیل نکرده، پاداش آموزش یعنی دستمزد کاهش یابد، نابرابری درآمد کاسته و رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد (Knight & Sabot, 1983).

3- پیشینه پژوهش

هالیه و نینو زارزوا (2018) با استفاده از داده‌های پانل از 55 کشور با درآمد پایین و درآمد متوسط و بهره‌گیری از روش‌های حداقل مربعات معمولی دو مرحله‌ای (2SLS)، اثرات ثابت (FE)، سیستم گشتاورهای تعمیم یافته (SGMM) در طی دوره زمانی 1990-2009 نشان دادند مخارج اجتماعی دولت در آموزش و تامین اجتماعی به ترتیب دارای تأثیر مثبت، منفی و غیر معنادار بر روی شاخص توسعه انسانی هستند در حالی که، در فصل سلامت این اثرگذاری مثبت و معنادار بوده است (Haile & Nino-Zarazua, 2018).

انيسان اکینلو و اولایمی جمیلوی (2018) با استفاده از روش خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی (NARDL) و رویکردهای علیت در طی دوره زمانی 1960-2012 به بررسی اثرات غیر خطی رشد اقتصادی بر مخارج دولت می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهند اثرگذاری کاهنده رشد اقتصادی بر مخارج دولت بیشتر از اثرگذاری کاهنده رشد اقتصادی بوده است. به عبارت دیگر، مخارج دولت مرتبط با دوره‌های رکود و رونق اقتصادی بوده و اثراتی که ادوار تجاری بر روی مخارج دولت می‌گذارند متفاوت است (Enisan Akinlo & Olayemi Jemiluyi, 2018).

اوریاوته و اکاوه (2018) با استفاده از روش‌های حداقل مربعات معمولی (OLS)، مدل تصحیح خطا (ECM) و تکنیک‌های علیت گرنجری در طی دوره زمانی 1980-2016 نشان دادند افزایش مخارج دولت در بهداشت، آموزش و ساخت و ساز موجب افزایش درآمد سرانه و افزایش رفاه شده و این افزایش در بخش بهداشت محسوس‌تر بوده است. همچنین رابطه علیت میان هزینه‌های دولت و ساخت و ساز وجود ندارد (Oriavwote & Ukawe, 2018).

مینهاج و نیشات (2018) با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) در طی دوره زمانی 1972-2012 در پاکستان نشان دادند مخارج دولت در بخش اجتماعی، بهداشت و آموزش و پرورش ارتباط معناداری با متغیر رفاه فردی یعنی درآمد سرانه دارند. همچنین، مخارج دولت در آموزش و پرورش و بهداشت به ترتیب دارای اثرات مثبت، منفی و معنادار بر روی اشتغال هستند. سایر مؤلفه‌های مخارج دولت نیز تأثیر قابل توجهی بر روی اشتغال نداشته‌اند (Minhaj & Nishat, 2018).

دوپکه و زیلیبوتی (2013) با استفاده از مدل رشد درونزای رومر نشان دادند ترجیحات افراد در ایجاد روح سرمایه داری و فناوریانه موجب پیشرفت سریع‌تر افراد در جامعه می‌شود (Doepke & Zilibotti, 2013).

گرانو و همکاران (2013) با استفاده از داده‌های پانل برای 150 کشور در حال توسعه و توسعه یافته در طی دوره زمانی 1987-2007 نشان دادند هزینه‌های اجتماعی در بخش آموزش و بهداشت دارای عدم تقارن بوده و در دوره رکود دارای رفتار ضد ادواری و در دوره رونق دارای رفتار موافق ادواری بوده است (Granado, Arze, & Hajdenberg, 2013).

فورکری و زیدینیکا (2010) با استفاده از داده‌های پانل و با لحاظ اثرات ثابت (FE) سال و کشورها با کاربردی از برآوردگر ساندویچ²⁰ ماتریس کواریانس برآورد شده مرحله دوم برای کشورهای عضو (OECD) با استفاده از مدل رشد درونزای رومر در طی دوره زمانی 1980-2005 نشان دادند مخارج اجتماعی در حوزه‌های پیری، ناتوانی جسمی، بهداشت خانواده، برنامه‌های بازار کار، مزایای بیکاری، مسکن تأثیرات گسترده و مثبتی از تولید ناخالص داخلی دارد. این اثر در دوره‌های رکود شدید بیشتر است.

²⁰ Sandwich Estimator of the Estimated Covariance Matrix of the Second-step



همچنین، در میان هزینه‌های اجتماعی مخارج مربوط به بهداشت و مزایای بیکاری بیشترین تأثیر را بر تولید ناخالص داخلی دارد (Furceri & Zdzienicka, 2010).

مکیان و همکاران (1400) با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری ساختاری در طی دوره زمانی 1396-1352 به بررسی وضعیت چرخه‌ای بودن سیاست‌های پولی و مالی در ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان دادند سیاست‌های پولی و مالی در ایران رفتاری مستقل از چرخه‌ها داشته و به تثبیت اقتصادی کمک می‌کنند (Makiyan, Samadi & Amareh, 2022).

موتمنی و همکاران (1398) با استفاده از روش خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی در طی دوره زمانی 1395-1380 و با بهره‌گیری از داده‌های فصلی به بررسی اثر نامتقارن تولید بر بیکاری پرداخته‌اند. نتایج نشان دادند اثر فزاینده و کاهنده تولید غیرنفتی بر روی بیکاری متفاوت است. همچنین، اثر کاهنده تولید بیشتر از اثر فزاینده تولید بر بیکاری بوده است (Jafari Samimi & Zaroki, 2020).

سلیمی و همکاران (1394) با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی در طی دوره زمانی 1390-1362 به بررسی تأثیر ترکیب بودجه‌ای دولت بر سه بعد رفاه شامل درآمد و شاخص‌های فقر، رفاه آمارتیباس و توسعه انسانی پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است، مخارج دولت در بخش بهداشت، آموزش و تامین اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش شاخص‌های رفاهی دارند. لازم به ذکر است که مخارج دولت در بخش آموزش، آموزش عالی اثر معناداری بر روی شاخص‌های رفاهی نداشته است.

بختیاری و همکاران (1393) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی در طی دوره زمانی 2010-1996 در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه نشان دادند مخارج موزون دولت در این امور برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مثبت بوده اما این ضریب در کشورهای در حال توسعه بی معنا می‌باشد. در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه اثرگذاری فصول آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی مثبت است. در فصل تامین مسکن مخارج دولت در کشورهای توسعه یافته دارای اثرگذاری مثبت و در کشورهای در حال توسعه دارای اثرگذاری منفی است. در فصل فرهنگ عمومی مخارج دولت در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه دارای اثرگذاری منفی است (Salimifar, Davoodi, & Arabi, 2015).

رشیدی خرسند (1389) با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان 12 رقمی طی دوره زمانی 1383-1357 در ایران نشان داده است کل مخارج عمومی بودجه دولت اثر مثبت و معنی داری بر روی رشد اقتصادی داشته است. همچنین، نتایج بررسی تأثیر جداگانه مخارج امور چهارگانه (امور اقتصادی، امور اجتماعی، امور عمومی و امور دفاعی) نیز نشان دادند که از بین امور مذکور مخارج امور اجتماعی اثر منفی بر روی رشد داشته است. تأثیر مخارج اجتماعی در هر یک از زیر فصل‌ها اثرات متفاوتی بر روی رشد اقتصادی داشته اند (RashidiKhorsand, 2010).

حسینی و همکاران (1387) با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان در قالب مدل رشد بارو در طی دوره زمانی 1383-1357 نشان دادند در اقتصاد ایران کل مخارج بودجه عمومی دولت اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی داشته است. مخارج امور اجتماعی تأثیر منفی بر این روند در کشور دارد. از 13 فصل مربوطه به امور اجتماعی، فصل‌های آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و تغذیه، تامین اجتماعی و بهزیستی، تربیت بدنی و امور جوانان، عمران و نوسازی روستاها، مسکن، آموزش عالی دارای اثر مثبت و فصل‌های فرهنگ و هنر، عمران شهرها، حفاظت از محیط زیست دارای اثر منفی بر روی رشد بوده‌اند. به استثنای فصول بهداشت، درمان و تغذیه و آموزش عالی سایر ضرایب معنادار نبوده‌اند (Hosseini, Abdi, Gheibi, & Fadaei, 2008).

خانزادی و همکاران (1394) با استفاده از داده‌های پانل در طی دوره زمانی 1391-1384 نیز به رابطه مثبت مخارج بهداشتی دولتی، مخارج آموزشی و نرخ شهرنشینی و رابطه منفی مخارج بهداشتی

خصوصی بر روی شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری از رفاه دست یافتند (Khanzadi, Fattahi, & Moradi, 2015).

خداویسی و عزتی شورگلی (1397) با استفاده از مدل خود رگرسیون برداری ساختاری (SVAR) در قالب مدل تغییر جهت مارکوف (MSAR) با استفاده از داده‌های فصلی ایران طی دوره زمانی 1396-1369 نشان دادند، ضریب فزاینده انی و تجمعی تا ده فصل و تجمعی بلندمدت تا بیست فصل برای مخارج دولت به ترتیب 0.28، 0.304 و 0.445 است. همچنین، ضریب فزاینده مخارج دولت در دوره رکود برابر با 0.828 و بزرگتر از ضریب فزاینده دوره رونق، 0.108 است (Khodavisi & EzzatiShorgoli, 2017).

رافعی و همکاران (1393) در طی دوره زمانی 1389-1388 نشان دادند در بررسی سناریوی سیاست‌های فعال مالی در مقایسه با حالت انفعال مالی، حضور فعال دولت در اقتصاد بی‌ثباتی بیشتر را به همراه دارد. به طوری که با تکان‌های افزایشی مخارج دولت سطح مخارج مصرفی دولت افزایش و سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی کاهش پیدا می‌کند که به دنبال آن سرمایه‌های بخش عمومی به پایین‌تر از سطح با ثبات تنزل می‌یابد. کاهش تولید در این بخش بیکاری را به همراه دارد. بنابراین، بر اساس این پژوهش سیاست صلاحیابی از سوی دولت در ایران ماهیت ضد ادواری دارد (Rafie, Bahrami, & Daneshjafari, 2014).

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه تنها بخش‌هایی از هدف پژوهش حاضر را در بر دارند. برای مثال، مطالعات هالیو و نینو زارزوا (2018)، اوریوته و اکاوه (2018)، سلیمی فر و همکاران (1394)، رشیدی خرسند (1389)، حسینی و همکاران (1387) و غیره که به طور اخص به بررسی برخی از فصول امور اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند از مدل‌های خطی بهره جسته‌اند و با متغیر وابسته در این پژوهش‌ها بیشتر معطوف بر رشد اقتصادی بوده است. در سایر پژوهش‌ها همچون انیسان اکیلو و اولایمی جمیلوی (2018)، موتمنی و همکاران (1398)، خداویسی و عزتی شورگلی (1397) که از مدل‌های غیرخطی استفاده شده هیچ کدام به طور اخص بر روی امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن تمرکز نکرده‌اند. به طور کلی، در هیچ یک از پژوهش‌ها به طور توأم به نقش ادوار تجاری در اثرگذاری غیرخطی مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن بر رفاه اجتماعی تمرکز نکرده‌اند. در نهایت، برجسته‌ترین نوآوری پژوهش حاضر آن بوده که در کار شین و همکاران (2014) فرض بر آن بوده که متغیر یا متغیرهای آستانه‌ای که به دو نیم تقسیم شده در طی دوره‌های رکود و رونق دارای اثرات ثابتی هستند. در حالی که، یکی از بارزترین ویژگی‌های اقتصادهای در حال توسعه وجود نوسانات اقتصادی یا به عبارت دیگر دوره‌های رکود و رونق در بطن اقتصاد است. با توجه به اینکه بسیاری از مطالعات این عامل مهم را در اثرگذاری سیاست‌های دولت در نظر نمی‌گیرند؛ پژوهش حاضر یک قدم فزاینده و اثرات شوک‌های مثبت و منفی مخارج دولت را در طی دوره‌های رکود و رونق به شکلی متفاوت فرض کرده و به بررسی آن می‌پردازد. از این رو، پژوهش حاضر از جنبه‌های مختلف دارای نوآوری است.

4- روش

بر اساس مطالعه کولی و پرسکات²² (1995) اگر یک سری زمانی مشاهده شده x_t را بتوان در قالب مجموع یک جزء نوسانی و یک جزء روند تشریح کرد و اگر a پارامتری باشد که بیان‌کننده واریانس نسبی جزء روند در مقابل نوسان باشد، در این صورت پارامتر مذکور بیانگر چگونگی کنترل همواری مسیر روند است. با معلوم شدن پارامتر a مسئله فیلتر هودریک-پرسکات عبارت است از حداقل کردن مجموع مجذورات T_t ، انحراف متغیر سری زمانی x_t از روند (T) . در واقع، مقادیر روند فیلتر هودریک پرسکات مقادیری هستند که رابطه (1) را حداقل می‌کند:

²² Cooley, T., & Prescott, E.

$$j = \sum_{t=1}^T (x_t - \tau_{x,t})^2 + a \sum_{t=2}^{T-1} [(\tau_{x,t} - \tau_{T-1})]^2 \quad (1)$$

در رابطه (1)، T ، تعداد مشاهدات، a پارامتر عامل موزون است که میزان هموار بودن روند را تعیین می‌کند. در پژوهش حاضر بر اساس فیلتر هودریک- پرسکات تفاوت بین مقدار فیلتر تولید ناخالص داخلی (HPGDP) و مقدار واقعی آن (GDP)، انحراف از روند طبیعی، $SEGDP$ است.

$$\begin{aligned} SEGDP_t &= GDP_t - HPGDP_t \\ BOOM_t &= Max(0, SEGDP_t) \end{aligned}$$

$$REC_t = Min(SEGDP_t, 0) \quad (2)$$

در روابط (2) REC ، $BOOM$ به ترتیب نشان دهنده مقدار انحراف تولید ناخالص داخلی با نفت از روند طبیعی آن در سال‌های رونق و رکود اقتصادی است. حال اگر در الگوی اقتصادسنجی از متغیر موهومی $DUBOOM$ استفاده شود، مقدار آن برای دوران رونق برابر با یک و در شرایط رکود صفر است، اما چنانچه از متغیر موهومی $DUREC$ استفاده شود مقدار این متغیر برای سال‌های رکود یک و برای سال‌های رونق اقتصادی مقدار صفر است (RezaeiPour & AghaeiAkhondabi, 2011). پس از استخراج ادوار تجاری برای بررسی اثرات کوتاه‌مدت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی بر روی رفاه اجتماعی از الگوی خودرگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی ارائه شده توسط شین و همکاران (2014) استفاده شده است. این الگوی یکی از روش‌های هم‌انباشتگی نامتقارن تلقی می‌شود. در واقع خصوصیات خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی این اجازه را به ما می‌دهد تا تحلیل مشترکی از مسائل مربوط به نامانایی و غیر خطی بودن در مدل تصحیح خطای نامقید²³ داشته باشیم. رابطه هم‌انباشتگی خطی مولفه‌های مجموع تجمعی مثبت و منفی به صورت رابطه (3) خواهد بود (Shin, Yu, & Greenwood-Nimmo, 2014):

$$x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^- \quad (3)$$

به نحوی که

$$x_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- \quad \text{و} \quad x_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \sum_{j=1}^t \max(\Delta x_j, 0) \quad (4)$$

$$\sum_{j=1}^t \min(\Delta x_j, 0)$$

$$Z_t = \beta_0^+ y_t^+ + \beta_0^- y_t^- + \beta_1^+ x_t^+ + \beta_1^- x_t^- \quad (5)$$

اگر در رابطه (5) Z_t انباشته از مرتبه $I(0)$ باشد، در این صورت گفته می‌شود که y_t^+ و y_t^- به صورت نامتقارن هم‌انباشته‌اند. به طوری که اگر $\beta_1^+ = \beta_1^-$ و $\beta_0^+ = \beta_0^-$ باشد، در این صورت هم‌انباشتگی متقارن خواهد بود (Schorderet, 2003). حال با در نظر گرفتن مولفه‌های مثبت و منفی که از رابطه (5) استخراج شده است و وارد کردن آن در یک مدل $ARDL(p, q)$ ، به مدل $NARDL(p, q)$ ، به صورت زیر خواهیم رسید:

$$y_t = \sum_{j=1}^p \varphi_j y_{t-j} + \sum_{q=0}^q (\theta_j^+ x_{t-j}^+ + \theta_j^- x_{t-j}^-) + \varepsilon_t \quad (6)$$

که در رابطه (6) p و q تعداد وقفه‌های بهینه، φ_j ضرایب وقفه‌های متغیر وابسته، θ_j^+ و θ_j^- ضرایب نامتقارن وقفه‌های متغیر مستقل و ε_t جمله اخلاص با میانگین صفر و واریانس ثابت (همسان) است. علاوه بر این، در فرم زیرکه در حقیقت فرم مورد نظر ما می‌باشد، یک زیر مجموعه از رگسورها نیز به صورت متقارن وارد رابطه شده است:

²³Unrestricted Error Correction Model

(7) $y_t = \beta^+ x_t^+ + \beta^- x_t^- + \lambda_w w_t + u_t$
در رابطه (7)، $x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^-$ ، یک بردار $1 \times k$ شامل رگسورهای نامتقارن و w_t یک بردار $1 \times g$ شامل رگسورهای متقارن در مدل هستند؛ در نتیجه رابطه (8) مدل برآوردی نهایی خواهد بود:

$$\Delta y_t = \rho y_{t-1} + \theta^+ x_{t-1}^+ + \theta^- x_{t-1}^- + \theta_w w_{t-1} + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j y_{t-j} + \sum_{i=0}^{q-1} (\varphi_j^+ \Delta x_{t-j}^+ + \varphi_j^- \Delta x_{t-j}^- + \varphi_{w,j} \Delta w_{t-j}) + \varepsilon_t \quad (8)$$

سپس با استفاده از آزمون استاندارد والد²⁴ به بررسی عدم تقارن x_t با آزمون $\theta^+ = \theta^-$ پرداخته می‌شود.

- ارائه و توصیف مدل

بر اساس میانی نظری و مطالعات تجربی ارائه شده از هالیبه و نینو زرزوا (2018) و خانزادی و همکاران (2015) در زمینه متغیر رفاه اجتماعی متغیرهای کنترلی مدل ها انتخاب شده است. بنابراین، رابطه (9) بر اساس رابطه (8) و هدف تحقیق حاضر برای برآورد مدل اثرات مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری استفاده شده است.

$$\begin{aligned} \log(W) = & \alpha + \beta_0 WL + \beta_1 \log(\text{Other_EXP}) + \beta_2 \log(\ln_t) + \beta_3 \log(\text{Urban}_t) + \beta_4 \log(\text{Open}_t) + \beta_5 \log(\text{Literacy}_t) + \beta_6 \text{Subsidy}_t + \\ & \beta_7 (\text{Shock}_{POS} * \text{RECESION})_t + \beta_8 (\text{Shock}_{POS} * \text{BOOM})_t + \beta_9 (\text{Shock}_{NEG} * \text{RECESION})_t + \beta_{10} (\text{Shock}_{NEG} * \text{BOOM})_t + u_t \end{aligned} \quad (9)$$

جدول 1. توصیف و منبع جمع آوری داده‌های متغیرهای مورد استفاده در پژوهش
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 1. Description and data collection source of variables used in the research
aSource: Research results

منبع اطلاعات	تعریف شاخص/ متغیر	متغیر
محاسبات پژوهش- مرکز آمار ایران و بانک مرکزی	$W = \mu(1 - G)$ μ : میانگین هزینه‌های خانوارهای شهری از مرکز آمار ایران به شاخص قیمت مصرف کننده به قیمت ثابت 1395 G : ضریب جینی	لگاریتم شاخص رفاه اجتماعی آمار تیاسن $\log(W)$
بانک جهانی ²⁵	نسبت جمعیت ساکن در مراکز شهری یک کشور با منطقه در یک مقطع زمانی معین به کل جمعیت همان کشور یا منطقه در همان مقطع زمانی	لگاریتم نسبت شهرنشینی $\log(\text{Urban})$
بانک مرکزی	شاخص قیمت مصرف کننده به قیمت ثابت 1395	لگاریتم نرخ تورم $\log(\ln)$
بانک مرکزی	نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی	لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد $\log(\text{Open})$
بانک جهانی	درصدی از جمعیت 15 تا 24 سال که قادر به درک، خواندن و نوشتن یک عبارت ساده هستند.	لگاریتم نرخ با سواد $\log(\text{Literacy}_t)$
وزارت اقتصاد و امور دارایی	امور یا فصول مورد بررسی-کل مخارج دولت	لگاریتم مخارج دولت در سایر امور و فصول به جزء امور و فصول مورد برآورد $\log(\text{Other_EXP})$

²⁴ Wald's Standard Test

²⁵ WDI

مرکز آمار	مقدار این متغیر از سال 1389 به بعد برابر یک و در سایر سال‌ها، صفر	متغیر مجازی هدفمند سازی یارانه‌ها (Subsidy)
محاسبات پژوهش	$SEGD P_t = GDP_t - HPGDP_t$ <p>مقدار: $SEGD P_t$: انحراف از روند طبیعی (شکاف تولید)؛ GDP: مقدار واقعی تولید ناخالص داخلی؛ $HPGD P$: نوسانات یا فیلتر تولید ناخالص داخلی</p>	متغیرهای مجازی دوره‌های رونق (Boom) و رکود (Recession) رونق: شکاف تولید مثبت رکود: شکاف تولید منفی

$$X_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \sum_{j=1}^t \text{Min}(\Delta x_j, 0)$$

$X_t^+ \times Recesion$: مقادیر برای دوره‌های رکود برابر با حاصل ضرب اثر جمعی مثبت تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رونق برابر با صفر است.
 $X_t^+ \times Boom$: مقادیر برای دوره‌های رونق برابر با حاصل ضرب اثر جمعی مثبت تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رکود برابر با صفر است.

اثر شوک های مثبت لگاریتم مخارج دولت در امور و فصول مورد بررسی در دوره‌های رکود و رونق
 $Shock_{pos} * Recesion$
 $Shock_{pos} * Boom$

محاسبات پژوهش- وزارت اقتصاد و امور دارایی	$X_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- = \sum_{j=1}^t \text{Min}(\Delta x_j, 0)$ <p>$X_t^- \times Recesion$: مقادیر برای دوره‌های رکود برابر با حاصل ضرب اثر جمعی منفی تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رونق برابر با صفر است. $X_t^- \times Boom$: مقادیر برای دوره‌های رونق برابر با حاصل ضرب اثر جمعی منفی تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رکود برابر با صفر است.</p>	اثر شوک های منفی لگاریتم مخارج دولت در امور و فصول مورد بررسی در دوره‌های رکود و رونق $Shock_{pos} * Recesoin$ $Shock_{pos} * Boom$
---	---	---

لازم به ذکر است متغیر، WL ، نشان دهنده یک وقفه برای متغیر رفاه اجتماعی می‌باشد. همچنین، تمامی متغیرها به صورت لگاریتمی در برآوردها لحاظ شده‌اند.

5- نتایج برآورد مدل‌ها

مدل‌سازی سری‌های زمانی بر فرض پایداری متغیرها استوار است. اگر متغیرها مورد استفاده در مدل، پایا نباشد، برآوردها به یک رگرسیون کاذب منجر می‌شوند. برای بررسی پایداری متغیرها در پژوهش حاضر از آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری استفاده شده است. نتایج این آزمون با در نظر گرفتن عرض از مبدا و روند نشان می‌دهد تمامی متغیرها به جزء شاخص رفاه اجتماعی، نرخ تورم، نرخ شهرنشینی، شاخص درجه باز بودن اقتصاد و نرخ باسوادی در سطح نامانای می‌باشند. این متغیرها نیز با یکبار تفاضل-گیری مانا می‌شوند.

جدول 2. آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 2. Dickey Fuller test with structural failure
Source: Research results

وضعیت مانایی	آماره T با عرض از مبدا و روند		نام متغیر
	یکبار تفاضل‌گیری	سطح	
مانا	-	-6/169167***	لگاریتم شاخص رفاه اجتماعی

مانا	-6/331665***	-3/400459	لگاریتم مخارج دولت در امور اجتماعی
مانا	-11/40769***	-4/685163	لگاریتم مخارج آموزش
مانا	-7/102241***	-5/053471	لگاریتم مخارج فرهنگی و هنری
مانا	-6/775020***	-4/679128	لگاریتم مخارج سلامت
مانا	-6/330309***	-2/728290	لگاریتم مخارج رفاه اجتماعی
مانا	-6/600714***	-4/178690	لگاریتم مخارج تربیت بدنی
مانا	-5/784493***	-3/004234	لگاریتم کل مخارج دولت
مانا	-	-6/768838***	لگاریتم نرخ تورم
مانا	-	-6/226419***	لگاریتم نرخ شهر نشینی
مانا	-	-5/007176**	لگاریتم نرخ یا سواد
مانا	-	-5/355938***	لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد

*** معنادر سطح 99 درصد ** معنادر سطح 95 درصد * معنادر سطح 90 درصد
بر اساس جدول (2) با توجه به اینکه در الگوها متغیرها در مرتبه‌های متفاوت هم انباشته بوده، در نتیجه از مدل خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های گسترده بهره گرفته شده است.

جدول 3. ادوار تجاری ایران بر اساس روش فیلتر هودریک پرسکات
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 3. Iran's Business Cycles Based on Hodrick Prescott Filter Method
Source: Research results

سال	1351	1352	1353	1354	1355	1356	1357	1358
شکاف	0/84	2/53	-5/06	16/88	-3/86	-11/4	-7/26	-20/7
دوره	رونق	رونق	رکود	رونق	رکود	رکود	رکود	رکود
سال	1359	1360	1361	1362	1363	1364	1365	1366
شکاف	-2/63	24/61	11/09	-6/63	2/20	-9/95	-0/69	-6/96
دوره	رکود	رونق	رونق	رکود	رونق	رکود	رکود	رکود
سال	1367	1368	1369	1370	1371	1372	1373	1374
شکاف	3/40	10/93	8/77	-0/62	-2/36	-4/61	-1/01	1/65
دوره	رونق	رونق	رونق	رکود	رکود	رکود	رکود	رونق
سال	1375	1376	1377	1378	1379	1380	1381	1382
شکاف	-2/98	-1/76	-2/47	1/23	-2/64	3/20	3/37	-0/40
دوره	رکود	رکود	رکود	رونق	رکود	رونق	رونق	رکود
سال	1383	1384	1385	1386	1387	1388	1389	1390
شکاف	1/39	0/46	0/98	2/82	-3/49	-2/93	3/24	1/01
دوره	رونق	رونق	رونق	رونق	رکود	رکود	رونق	رونق
سال	1391	1392	1393	1394	1395	1396	1397	1398
شکاف	-9/36	-1/66	2/16	-2/28	12/26	4/10	-4/25	-4/55
دوره	رکود	رکود	رونق	رکود	رونق	رونق	رکود	رکود

پس از استخراج ادوار تجاری بر اساس فیلتر هودریک پرسکات باید به بررسی متفاوت بودن ضرایب اثرگذاری اجزای مخارج دولت در طی دوره‌های رکود و رونق پرداخت.

جدول 4. آزمون برابری ضرایب (والد) شوک‌های مثبت و منفی مخارج دولت در دوره‌های رکود و رونق
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 4. Coefficients equality test of positive and negative shocks of government expenditures during periods of recession and boom

Source: Research results

شوک منفی		شوک مثبت		متغیرهای مخارج دولت
آماره F	سطح معناداری	آماره F	سطح معناداری	

0/001	11/976	0/138	1/964	امور اجتماعی
0/091	3/039	0/958	0/002	آموزش
0/000	12/054	0/116	2/599	تربیت بدنی
0/490	0/487	0/405	0/711	فرهنگ و هنر
0/000	13/204	0/000	18/250	رفاه اجتماعی
0/001	12/756	0/781	0/078	سلامت

بر اساس جدول (4) چنانچه سطح معناداری کمتر از 0.05 باشد در سطح اطمینان 95 درصد فرض صفر مبنی بر برابری ضرایب در دوره رکود و رونق رد می‌شود. به استثناء فصل رفاه اجتماعی در سایر اجزای مخارج دولت اثر شوک‌های مثبت بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری ندارند. به استثناء فصول فرهنگ و هنر و آموزش در سایر اجزای مخارج دولت شامل امور اجتماعی و فرهنگی و فصول تربیت بدنی، رفاه اجتماعی و سلامت اثر شوک‌های منفی بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری دارند.

جدول 5. نتایج برآورد اثرات متغیرهای توضیحی بر رفاه اجتماعی- امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 5. Results of estimating the effects of explanatory variables on social welfare - social and cultural affairs and related sub-chapters
Source: Research results

متغیر وابسته: رفاه اجتماعی (Log(W))						متغیرهای توضیحی
مدل‌های مربوط به زیر فصول امور اجتماعی و فرهنگی						
سلامت (HG)	رفاه اجتماعی (SWG)	فرهنگ و هنر (C&AG)	تربیت بدنی (PEG)	آموزش (TRG)	امور اجتماعی (S&CAG)	
0/419***	0/442***	0/347***	0/338***	0/395***	0/415**	وقفه اول رفاه (WL)
-7/609**	-	-	-8/967**	-8/022**	-14/795**	عرض از مبدا (α)
-	4/591***	10/248***	-	-	-	لگاریتم نرخ تورم Log(In)
0/069***	0/068***	-0/073***	-0/068***	-0/069***	-0/076***	لگاریتم نرخ باسوادی (Literacy) Log
-	2/083***	-2/577***	-3/417***	-2/897***	-2/772***	لگاریتم شاخص درجه یاز بودن اقتصاد Log(Open _t)
0/111***	0/115***	0/097***	0/132***	0/110***	0/255***	لگاریتم نرخ شهرنشینی Log(Urban _t)
9/488***	6/985***	10/967***	11/280***	10/041***	13/933***	لگاریتم مخارج دولت در سایر امور و فصول به جز امور یا فصل مربوطه (Other_EXP) Log
-0/004	0/060**	0/222**	0/074*	0/037	0/155**	یارانه‌ها (Subsidy _t)
0/006	0/001	0/019	0/007*	0/019	0/031**	

0/033**	0/075**	0/072**	0/044**	0/023**	0/051*	شوکه‌های مثبت در زمان رکود (Shock _{POS} * Recession)
0/033**	0/095**	0/079**	0/047**	0/023**	0/081**	شوکه‌های مثبت در زمان رونق Shock _{POS} * (Boom)
-0/045	-0/078	0/222*	0/006	0/027*	-0/895*	شوکه‌های منفی در زمان رکود (Shock _{NEG} * Recession)
-0/084**	0/602**	0/300*	0/016	0/009	-0/460**	شوکه‌های منفی در زمان رونق (Shock _{NEG} * Boom)
-	-	-0/049***	-0/042***	-0/042***	-0/061***	روند زمانی (Timetrend)

*** معنادار در سطح 99 درصد، ** معنادار در سطح 95 درصد، * معنادار در سطح 90 درصد

بر اساس **جدول 5** شوکه‌های فزاینده و کاهشده مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن در دوره‌های رکود و رونق آثار متفاوتی بر رفاه اجتماعی دارند. اثر شوکه‌های فزاینده و کاهشده مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری به ترتیب مثبت، منفی و معنادار بوده‌اند. همچنین، اثر شوک کاهشده مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی به ویژه در دوره‌های رکود در مقایسه با شوکه‌های فزاینده تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند.

در فصل آموزش اثر شوکه‌های فزاینده و کاهشده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق مثبت و به استثناء شوک کاهشده مخارج دولت در دوره رونق معنادار بوده است. با در نظر گرفتن هر دو دوره رکود و رونق اثر شوک کاهشده مخارج دولت در فصل آموزش در دوره رکود در مقایسه با سایر شوک‌ها تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارد.

اثر شوکه‌های افزایشی مخارج دولت در فصل تربیت بدنی بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق مثبت و معنادار بوده است. با این حال اثر شوکه‌های کاهشده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در هر دو دوره رکود و رونق مثبت و غیر معنادار بوده است. این موضوع دو یافته مهم در بر دارد. اول، بر اساس انتظار شوکه‌های فزاینده، مخارج دولت در فصل تربیت بدنی در مقایسه با شوکه‌های کاهشده تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند. دوم، اثر شوک فزاینده مخارج دولت در فصل تربیت بدنی در هر دو دوره رکود و رونق به یک میزان و بیشتر از سایر شوک‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران تأثیر دارند.

در فصل فرهنگ و هنر اثر شوکه‌های فزاینده و کاهشده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق مثبت و معنادار بوده است. همچنین، اثر شوکه‌های کاهشده مخارج دولت به ویژه در دوره‌های رونق در مقایسه با شوکه‌های فزاینده تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارند.

اثر شوکه‌های افزایشی مخارج دولت در فصل سلامت بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق مثبت و معنادار بوده است. با این حال اثر شوکه‌های کاهشده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در هر دو دوره رکود و رونق منفی و به استثناء دوره رکود معنادار بوده است. بنابراین، اثر شوکه‌های کاهشده مخارج دولت در فصل سلامت به ویژه در دوره‌های رونق در مقایسه با شوکه‌های فزاینده تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارند.

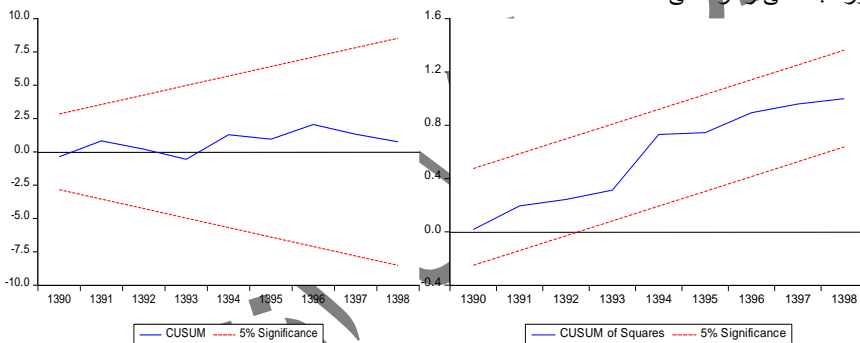
در فصل رفاه اجتماعی اثر شوکه‌های فزاینده و کاهشده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق به استثناء شوک کاهشده مخارج دولت در دوره رکود مثبت و معنادار بوده است. با در نظر

گرفتن هر دو دوره رکود و رونق اثر شوک کاهنده مخارج دولت در فصل رفاه اجتماعی در دوره رونق در مقایسه با سایر شوک‌ها تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارد. بنابراین، اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن در طی ادوار تجاری نامتقارن است.

ذکر این نکته است که در مدل‌های برآوردی به دلیل ماهیت ادوار تجاری و نقش آن‌ها در اجرای سیاست‌های مالی هدف پژوهش شناخت اثرات کوتاه مدت مخارج دولت در دوره‌های رکود و رونق بوده است. به عبارت دیگر، از آنجا که بودجه به شکل سالیانه تخمین زده می‌شود برای کاهش نوسانات اقتصادی در هر سال باید به نتایج روابط کوتاه مدت در تخصیص منابع مالی دولت توجه شود. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی الگوها رابطه همجمعی بین متغیرها وجود دارد لزومی به ذکر نتایج بلندمدت و الگوی تصحیح خطا نخواهد بود.

بر اساس نمودار (3)، (نمودار 4)، (نمودار 5)، (نمودار 6)، (نمودار 7)، (نمودار 8) نتایج آزمون‌های ثبات ساختاری پسماند جمعی و مجذور پسماند جمعی الگوهای تخمینی نشان می‌دهد، در کلیه مدل‌ها مسیر حرکت بین خطوط مستقیم بوده است. در نتیجه، ضرایب مدل‌ها با ثبات بوده و انحراف از پایداری ضرایب وجود ندارد.

امور اجتماعی و فرهنگی

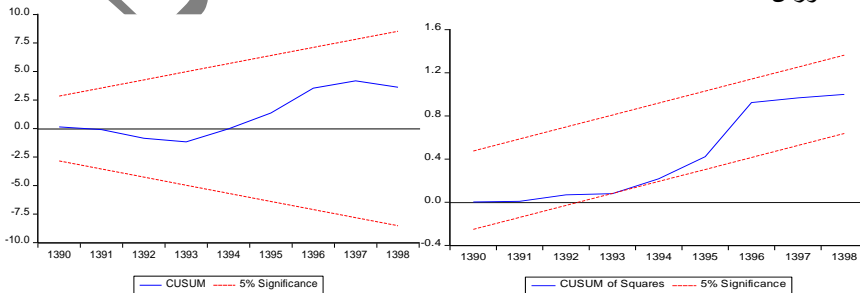


نمودار 3. آزمون‌های **CUSUM** و **CUSUMQ** در الگوی مربوط به مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 3. CUSUM and CUSUMQ tests in the social and cultural affairs

Source: Research results

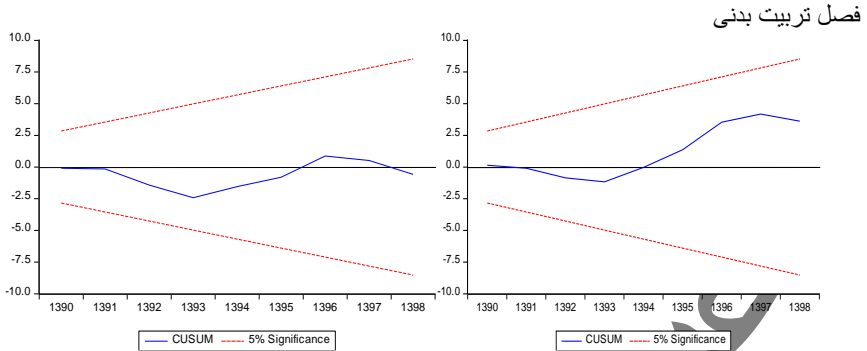
فصل آموزش



نمودار 4. آزمون‌های **CUSUM** و **CUSUMQ** در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل آموزش
مأخذ: نتایج پژوهش

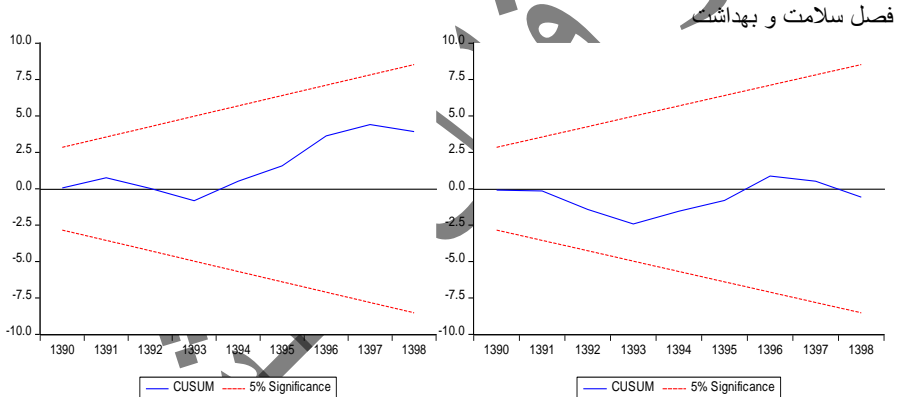
Figure 4. CUSUM and CUSUMQ tests in the education chapter

Source: Research results



نمودار 5. آزمون‌های $CUSUM$ و $CUSUMQ$ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل تربیت بدنی
مأخذ: نتایج پژوهش

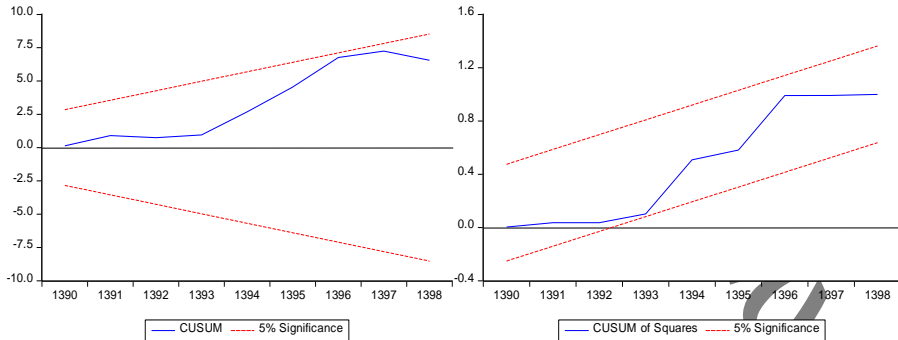
Figure 5. CUSUM and CUSUMQ tests in the physical education chapter
Source: Research results



نمودار 6. آزمون‌های $CUSUM$ و $CUSUMQ$ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل سلامت و بهداشت
مأخذ: نتایج پژوهش

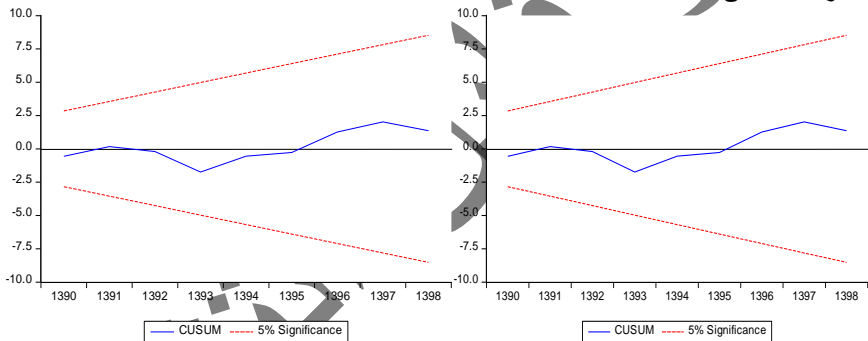
Figure 6. CUSUM and CUSUMQ tests in the health chapter
Source: Research results

فصل فرهنگ و هنر



نمودار 7. آزمون‌های $CUSUM$ و $CUSUMQ$ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل فرهنگ و هنر
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 7. CUSUM and CUSUMQ tests in the culture and arts chapter
Source: Research results



نمودار 8. آزمون‌های $CUSUM$ و $CUSUMQ$ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل رفاه اجتماعی
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 8. CUSUM and CUSUMQ tests in the social welfare chapter
Source: Research results

در کلیه مدل‌های برآوردی اجزای مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری اثرگذاری متغیرهای کنترلی نرخ تورم و نرخ باسواد بر رفاه اجتماعی منفی و شاخص درجه باز بودن اقتصاد، نرخ شهرنشینی و هدمندی پارانها دارای تأثیرات مثبتی بر روی رفاه اجتماعی بوده‌اند. در ارتباط با مکانیسم تأثیرگذاری متغیر نرخ تورم می‌توان گفت افزایش تورم کاهش قدرت خرید افراد و به تبع آن کاهش مصرف آن‌ها را به دنبال خواهد داشت که این مساله می‌تواند به نوبه خود منجر به کاهش رفاه اجتماعی افراد شود. علاوه بر این، تأثیرگذاری منفی نرخ باسواد بر روی رفاه اجتماعی حکایت از آن دارد که با وجود افزایش نیروی کار تحصیل کرده در جامعه، بهره‌مندی اقتصاد ایران از این سرمایه بسیار ضعیف و اندک بوده است. شواهد آماری در مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در باسوادان همواره بیشتر از بی‌سوادان بوده است؛ زیرا ایجاد شغل برای باسوادان پرهزینه‌تر و سطح انتظارات شغلی آن‌ها به مراتب بالاتر است. در نتیجه، نیروی انسانی باسواد مشارکت کمتری در بازار کار، تولید ناخالص داخلی و خلق درآمد داشته‌اند. اثرات مطلوب آزادسازی تجاری بر اساس الگوی هکچر-

اوهلین و نظریه‌ی استلوپر سامونلسون به این امر برمی‌گردد که در ایران، به عنوان یک کشور در حال توسعه فراوانی نیروی‌کار موجب شده آزدسازی تجاری به نفع این عامل عمل کند. بنابراین، بر اساس این تئوری‌ها انتقال منابع به سمت تولید کالاهای صادراتی کاربر شده که در نتیجه آن تقاضا نیروی‌کار برای تولید کالاهای صادراتی کاربر در این بخش‌ها منجر به افزایش اشتغال، دستمزدها، کاهش فقر، افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. تاثیر مثبت شهرنشینی بر رفاه اجتماعی بر اساس مرکز آمار ایران مرتبط با این امر بوده که درآمد خانوارهای شهری از روستایی بیشتر بوده و این خود عاملی برای جذب روستا نشینان به نقاط شهری برای دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر و درآمد بیشتر است. متغیر هدفمندی یارانه‌ها در تمامی فصول دارای اثرگذاری مثبت بوده اما نکته حائز اهمیت آن است که در بیشتر این موارد به جزء امور اجتماعی و فرهنگی و فصل تربیت بدنی این اثرگذاری بسیار ناچیز و حتی بی‌معنا بوده است.

6- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یکی از مهم‌ترین وظایف دولت ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقاء سطح زندگی افراد جامعه است، این در حالی است که وجود موسسات اقتصادی ممکن است اختلالاتی در روند برنامه‌ریزی دولت ایجاد کند. از این رو، دولت در اجراء سیاست‌های مالی خود جهت حداکثرسازی رفاه اجتماعی باید همواره نقش ادوار تجاری را در نظر بگیرد. با توجه به اهمیت اولویت‌بندی بودجه دولت در امور مختلف از جمله امور اجتماعی و فرهنگی و همچنین نقش ادوار تجاری در تخصیص این منابع، پژوهش حاضر به بررسی اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و فصول مربوط به آن بر روی شاخص رفاه اجتماعی آمارتپاس در طی ادوار تجاری اقتصاد ایران برای دوره زمانی سال‌های 1398-1352 پرداخته است. به این منظور از مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی بهره گرفته شده است.

نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که شوک‌های مثبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی، فصول آموزش، تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت در طی دوره‌های رکود و رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. شوک‌های منفی مخارج دولت نیز در فصول فرهنگ و هنر و آموزش در طی دوره‌های رکود و فصل رفاه اجتماعی در طی دوره‌های رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. وجود اثرات مثبت مخارج دولت در شوک‌های مثبت و منفی مخارج دولت در فصول نام برده بیشتر به اثرات فزاینده درآمد کینزی در طی ادوار تجاری برمی‌گردد. مخارج دولت در حوزه‌های نام برده از طریق افزایش سرمایه انسانی، ایجاد فرصت‌های کسب و کار بیشتر و فناوری‌های نوین به افزایش ظرفیت‌ها درآمدی افراد منجر می‌شوند. برای مثال، مخارج دولت در فصل رفاه اجتماعی از جمله نظام تأمین اجتماعی می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری و توان تولیدی، ایجاد احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی و افزایش تمایل انسان به کار می‌شود. اما تفاوت در میزان اثرگذاری‌ها ناشی از این امر است که تأمین مخارج دولتی از طریق مالیات‌ها (به هنگام کسری بودجه شدید) موجب کاهش میزان درآمد قابل تصرف خانوارها و در نتیجه کاهش اثرگذاری‌های سیاست‌های مالی می‌شود.

شوک منفی مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی در طی ادوار تجاری و در فصل سلامت تنها در دوره‌های رونق موجب کاهش رفاه اجتماعی شده است. کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای در طی ادوار تجاری برای حفظ سطح هزینه‌های جاری (دستمزد، حقوق، هزینه‌های اجتماعی و غیره) که کاهش آن‌ها دشوار بوده و معمولاً به طور دائمی افزایش می‌یابند از جمله عوامل موثر بر واکنش منفی رفاه اجتماعی به تغییرات در هزینه‌های دولت در طی دوره‌های رونق است. به عبارت دیگر، اثرگذاری منفی مخارج دولت در فصل سلامت در طی دوره‌های رونق به این دلیل است که در این نوع مخارج، هزینه‌های سرمایه‌ای دولت کاهش قابل توجهی داشته و دولت تنها توانایی پوشش هزینه‌های جاری را داشته که این امر موجب شده مخارج دولت تأثیرات منفی بر رفاه اجتماعی بر جای بگذارد. همچنین، تشکیل سرمایه‌های ثابت در حوزه سلامت برای مثال ساخت بیمارستان‌ها و تجهیزات مورد نیاز در این زمینه دارای ماهیت بلندمدت بوده و در طی ادوار تجاری اقتصاد که ماهیت کوتاه مدت دارد با اثرات ناچیز و یا حتی منفی بر روی رفاه همراه خواهد بود. همچنین، ماهیت مخارج بهداشتی دولت در ایران بیشتر مصرفی بوده است. این امر

موجب شده در دوره‌های رونق ماهیت این نوع مخارج موجب کاهش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اثرگذاری منفی آن بر رفاه شود. اثرات برونرانی در حوزه سلامت می‌تواند عامل دیگر اثرگذاری منفی مخارج دولت در بخش سلامت در طی دوره‌های رونق باشد. سایر دلایل عمده اثرات غیرمولد مخارج بهداشتی و سلامت دولت و در نتیجه شکل‌گیری رفتار موافق ادواری در ارتباط با نوسان‌های بالای پایه‌های مالیاتی، بخش غیررسمی بزرگ در اقتصاد ایران و همچنین مشکلات متعدد در زمینه عرضه اعتبار می‌باشد. همچنین، نتایج شوک مثبت مخارج دولت حکایت از آن دارد که فصول آموزش، تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت تنها در دوره‌های رونق دارای اثرگذاری بیشتر بر روی رفاه اجتماعی هستند. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن شوک منفی مخارج فصل آموزش دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رکود و فصول تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رونق بر روی رفاه اجتماعی هستند. بنابراین، مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن دارای رفتاری نامتقارن بر روی رفاه اجتماعی هستند. عواملی همچون، نهادهای سیاسی- اقتصادی ضعیف، عدم نظارت کافی در اجرای سیاست‌های مالی، حاکم بودن بروکراسی، وجود وقفه، وابستگی به درآمدهای نفتی، بازارهای ناکافی سرمایه موجب شکل‌گیری این نوع رفتارها هستند. بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود در صورتی که دولت در پی اعمال یک شوک مثبت در مخارج خود باشد جهت کاهش نوسانات و افزایش رفاه اجتماعی باید مخارج اجتماعی و فرهنگی خود را بر اساس اولویت به ترتیب فصول رفاه اجتماعی، فرهنگ و هنر، تربیت بدنی، سلامت و آموزش در طی دوره‌های رکود و رونق کند. همچنین، در صورتی که دولت در پی اعمال یک شوک منفی در مخارج خود باشد جهت کاهش نوسانات و افزایش رفاه اجتماعی باید مخارج اجتماعی و فرهنگی خود را بر اساس اولویت به ترتیب در طی دوره‌های رکود صرف فصول فرهنگ و هنر و آموزش و در طی دوره‌های رونق به ترتیب اولویت بندی صرف فصول رفاه اجتماعی و فرهنگ و هنر نماید.

Acknowledgments: The authors would like to acknowledge the valuable comments and suggestions of the reviewers, which have improved the quality of this paper.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The authors received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

- Addison, T., Niño-Zarazúa, M., & Tarp, F. (2015). Aid, Social Policy, and Development. *WIDER Working Paper*, No.061.
- Agenor, P. R. (2002). *Does Globalization Hurt the Poor?* The World Bank. Washington DC.
- Ahmadvand, N., Alizadeh, M., Fotros, M. H., & Delfan, M. (2020). Achieving the optimal share of government expenditures in GDP with the aim of maximizing social welfare (with emphasis on the affairs and seasons of the state budget). *Journal of social welfare*. 20(79), 153-195. (In Persian)
- Ambia, A. N., & Sujarwoto, N. I. (2018). Infrastructure Expenditure and Poverty Reduction in Indonesia. *Rjoas*, 34(76), 40-51.

- Asghar, N., Hussain, Z., & Rehman, H. U. (2012). The Impact of Government Spending on Poverty Reduction: Evidence from Pakistan 1972 to 2008. *African Journal of Business Management*, 6(3), 845-853.
- Ashrafi, Y., Salimifar, M., Adeli, M., & Tavaklian, H. (2018). Investigating the Effect of Government Expenditure on Welfare in Iran: Application of Stochastic Dynamic General Equilibrium Patterns. *Journal of Economic Research and Policy*, 85(26), 33-82. (In Persian)
- Bulir, A. (2001). Income Inequality: Does Inflation Matter? *IMF Working Paper*, 48(1).
- Claus, I., Martinez-Vazquez, J., & Vulovic, V. (2012). *Government Fiscal Policies and Redistribution in Asian Countries*. Asian Development Bank.
- Doepke, M., & Zilibotti, F. (2013). Culture, Entrepreneurship, and Growth. *NBER Working Paper*, No.654.
- Enisan Akinlo, A., Olayemi Jemiluyi, O. (2018). Government Expenditure and Economic Growth Nexus in Nigeria: Evidence from Nonlinear ARDL and Causality Approaches. *Views of Innovation and Competitiveness*, 4 (2), 5-25.
- Furceri, D., & Zdzienicka, A. (2010). The Effects of Social Spending On Economic Activity: Empirical Evidence from A Panel of OECD Countries. *OECD Economics Department Working Papers*, No.770, 771-730.
- Ghaffari, G., & Omid, R. (2011). *Quality of Life: Social Development Index*. Tehran: Shirazeh Publishing. (In Persian)
- Ghasemi, M., & Mohajeri, P. (2015). Investigating the cyclical behavior of fiscal policy in Iran. *Journal of Economic Research*, 15(56), 75-104. (In Persian)
- Gholami, E., & Hozhabr Kiani, K. (2014). Evaluating of the Business Cycle Status in Iran and its Impact on the Effectiveness of Fiscal Stimulus Programs and Investment. *Journal of Investment Knowledge*, 3(12), 271-253. (In Persian)
- Granado, D., Arze, G. J., & Hajdenberg, A. (2013). *Is Social Spending Pro Cyclical? Evidence for Developing Countries*. World Development.
- Hafner, M., Yerushalmi, E., Phillips, W. D., Pollard, J., Deshpande, A., Whitmore, M., VanStolk, C. (2019). *The economic benefits of a more physically active population: An international analysis*. RAND Corporation. Santa Monica.

- Haghverdi, F. (2009). Radio and its impact on the economy of society. *The specialized scientific monthly of the Voice of the Islamic Republic of Iran*, 10(59), 98-92. (In Persian)
- Haile, F., & Nino-Zarazua, M. (2018). Dose Social Spending Improve Welfare in Low-Income and Middle Income Countries? *Journal of International Development*, 30, 367-398.
- Hosseini, S. M., Abdi, A., Gheibi, A., & Fadaei, I. (2008). ombination of budgets and budgets and general government budget chapters. *Journal of Economic Research and Policy*, 16(48), 37-63. (In Persian)
- Hulme, D., Hanlon, J., & Barrientos, A. (2012). *Just Give Money To The Poor: The Development Revolution From The Global South*. Kumarian Press.
- Ilker, U. M. (2018). The Effect of Government Social Spending on Income Inequality in OECD: A Panel Data Analysis. *International Journal of Economics Politics Humanities and Social Sciences*, 1(3), 185-202.
- Ionu, J. (2018). The Impact of Government Health and Education Expenditure on Income Inequality in EU. *Theoretical and Applied Economics, Special Issue*, 122-133.
- Janson, P., Mango, N., Krishna, A., Rademy, M., & Johnson, N. (2009). Understanding Poverty Dynamics in Kenya. *Journal of International Development*
- Joharji, G., & Starr, M. (2011). Fiscal Policy and Growth in Saudi Arabia. *Review of Middle East Economics and Finance*, 6(3), 24-45.
- Khanzadi, A., Fattahi, S., & Moradi, S. (2015). Investigating the effects of government health expenditures on human development in Iran. *Journal of Economics and Modeling*, 7(25), 130-149. (In Persian)
- Khodavisi, H., & EzzatiShorgoli, A. (2017). Estimation of Fiscal Policy Growth in Iranian Economy: Application of Structural Vector Autoregression and Markov Switching Models. *Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 19(4), 77-109. (In Persian)
- Knight, J., & Sabot, R.H. (1983). Educational Expansion and the Kuznets Effect. *American Economic Review*, 73(5), 1132-1136.
- Lindert, K. (2002). *Survey of Social Assistance in OECD Countries*. World Bank.
- Lucas, R. E. (1988). On the Mechanic of Economic Development. *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3-42.

- Makyian ,S.N., Samadi,A.H., & Amareh,J. (2022). Investigating the Cyclical Status of Monetary, Financial Policies in Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*,18(4), 67-92. (In Persian)
- MCCulloch, N., Winter, L., & Cirera, X. (2003). *Trade Liberalisation and Poverty: A Handbook*. . Centre for Economic Policy Research.
- Minhaj, S., & Nishat, M. (2018). *Impact of Government's Spending on the Welfare in Pakistan Economy*. Institute of Business Administration. Karachi.
- Motameni,M., Jafari Samimi,A., & Zaroki, Sh. (2020). Testing Okun's Law in Iran: New Evidence with Nonlinear ARDL Approach. *Journal of Macro Economic* 14 (27), 122-147. (In Persian)
- Noll, H. H. (2002). *Social Indicators And Quality Of Life Research: Background, Achievements And Current Trends*. Advances In Sociological Knowledge Over Half A Century. International Social Science Council. Paris.
- Odiior, E. S. (2014). Government Over met Averment Expenditure on Education and Poverty Reduction. Implications for Achieving the MDGS in Nigeria a Computable General Equilibrium Micro-Simulation Analyses. *Asian Economic and Financial Review*, 4(2), 150-172.
- ODonnell, O., vanDoorslaer, E., & vanOurti, T. (2013). Health and Inequality. *Discussion Paper*, No.432.
- Omodero, C. O. (2019). Government Sectoral Expenditure and Poverty Alleviation in Nigeria. *Research in World Economy*, 10(1), 80-90.
- Oriavwote, E., & Ukawe, A. (2018). Government Expenditure and Poverty Reduction in Nigeria. *Journal of Economics and Public Finance*, 34(2), 156-163.
- Pena, J. B. (1977). Problemas de la medición del bienestar y conceptos afines (Una aplicación al caso español). *INE*, No.345.
- Rafie, M., Bahrami, J., & Daneshjafari, D. (2014). Evaluation of Fiscal Policy for Iran's Economy in a Stochastic Dynamic General Equilibrium Model Based on Real Business Cycles. *Quarterly Journal of Economic Research*, 14(54), 33-65. (In Persian)
- RashidiKhorsand, A. H. (2010). *Analysis of the composition of government expenditure components and its impact on economic growth; With emphasis on the affairs and chapters of the general government budget (1976-2003)*,. (Master Thesis). University of Tehran. (In Persian)

- Rezaeipour, M., & AghaeiAkhondabi, M. (2011). Where government spending is on the actual consumption of the private sector. *Journal of Economic Research and Policy*, 19(60), 139-160. (In Persian)
- Saedi Sarkhanlou, A., & Dargahi, H. (2021). Determinants of Government Budget Deficit in the Economy of Iran Emphasizing the Economic and Political Economic Factors. *The Journal of Planning and Budgeting*, 26(1), 5-32. (In Persian)
- Salehnia, N., Dehnavi, J., & Haghnejad, A. (2010). Role of Culture in Economy Development. *Engineering Cultural Monthly*, 4(43&44), 79-66. (In Persian)
- Salimifar, M., Davoodi, A., & Arabi, A. (2015). Investigating the Impact of Government Budget Composition on Welfare Indicators in Iran. *Economic Strategy Quarterly*, 3(12), 180-153. (In Persian)
- Samadi, A. H., & OjiMehr, S. (2012). Investigating the Factors Affecting the Consistent Behavior of Fiscal Policy with Emphasis on Oil Price Fluctuation: A Case Study of Iran (1987-2003). *Iranian Journal of Economic Research*, 9(18), 29-57. (In Persian)
- Scheil-Adlung, X., Asfaw, A., Booyesen, F., Lamiraud, K., Juetting, J., Xu, K., & Muchiri, S. (2006). *What Is The Impact Of Social Health Protection On Access To Health Care, Health Expenditure And Impoverishment: A Comparative Analysis Of Three African Countries*. WHO. Geneva.
- Schorderet, Y. (2003). *Asymmetric Co Integration: Revisiting Okun's Law: An Hysteretic Perspective*. University of California San Diego, Mimeo.
- ShamsAldini, A., & Gorjian, P. (2010). Factors affecting the migration of villagers to cities, with emphasis on the migration network (Case: Rostam Do village). *Human Settlement Planning Studies (Geographical Landscape)*, 5(11), 87-105. (In Persian)
- Shin, Y., Yu, B., & Greenwood-Nimmo, M. (2014). *Modelling Asymmetric Co Integration and Dynamic Multipliers in a Nonlinear ARDL Framework*. Springer. New York.
- Sourya, K., Sainasinh, S., & Onphanhdla, P. (2018). Public Spending, Aid Effectiveness and Poverty Reduction in Lao PDR. *Journal of International Cooperation Studies*, 21(2&3), 163-186.
- Tinbergen, J. (1991). On the measurement of welfare. *Journal of Econometrics*, 50(3), 7-15.
- WorldBank. (1990). *Poverty In The Midst Of Plenty, The Challenge Of Growth With Inclusion*. A World Bank Poverty Assessment. Washing, D.C. Nigeria.

- YolcuKaradam, D., Yildirim, J., & Öcal, N. (2016). Military expenditure and economic growth in Middle Eastern countries and Turkey: a non-linear panel data approach. *Defense and Peace Economics*, 1(1), 345-356.
- Zaer, A., & Gholami, E. (2008). Investigating the effects of fiscal policies on macroeconomic variables in Iran using the VAR model. *Journal of Taxation and Development*, 5(1). (In Persian)
- Zarei, Z., Ebrahimi., I, & Hematy, M.(2019). The Effects of Government Current and Development Expenditures on Private Sector Consumption Expenditures in Business Cycles, *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 16 (3), 1-31. (In Persian)
- Zarzosa-Espina, P., & Somarriba-Arechavala, N. (2012). An Assessment of Social Welfare in Spain: Territorial Analysis Using a Synthetic Welfare Indicator. *Social Indicators Research* .

پاییز فابل انتشار